

A sociological analysis of women's perception of security in the urban space in Bandar Abbas

Hedayat Allah Nikkhah*

Associated professor of social science, University of Hormozgan, Hormozgan, Iran

Mostafa Zahirinia

Associate professor of social science, University of Hormozgan, Hormozgan, Iran

Syed Mohammad Hoseini

Master of sociology, University of Hormozgan, Hormozgan, Iran

Abstract: *The aim of the present study is to investigate the relationship between urban space and the sense of social security in women in Bandar Abbas. The study was descriptive and conducted using a correlational method. The research population included all women over 18 years of age in Bandar Abbas, 389 of whom were selected using a snowball sampling method. The research tools included a researcher-made urban space questionnaire and Chalabi's Sense of Security Questionnaire (2006), which was implemented on the Pressline platform. The results of the study showed that the level of women's sense of security in Bandar Abbas was 68.08 and its standard deviation was 11.61. Also, the average suitability of urban space was 56.48 and its standard deviation was 9.67. The inferential findings of the study showed that there is a relationship between urban space and women's sense of security. The correlation coefficient was $r = -.37$, indicating that the more unsuitable the urban space, the lower the women's sense of security. Also, the relationship between the social dimension of urban space (-.37) and the sense of security, the relationship between the physical dimension of urban space and the sense of security (-.29), the dimension of urban furniture and the sense of security (-.25), and the dimension of access to urban services and women's sense of security (-.14), all of which indicate a negative and inverse relationship between the unfavorableness of urban space and women's sense of security. The findings of the present study point to the importance of the role of urban space dimensions and their effects on women's mentality and show how the visual appearance of a city can lead to a sense of security or insecurity among women. Signs such as low street lighting, the presence of abandoned buildings, lack of facilities, signposts, inadequate access to urban services, and damaged roads are considered evidence of insecurity by women.*

Keywords: *Urban space, physical dimension, social dimension, urban furniture dimension, women's sense of social security, Bandar Abbas.*

* Email: hedayatnik22@gmail.com (Corresponding Author)

تحلیل جامعه‌شناختی احساس امنیت زنان در فضای شهری

هدایت الله نیکخواه^{۱*}، مصطفی ظهیری‌نیا^۲، سیدمحمد حسینی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین فضای شهری با احساس امنیت اجتماعی در زنان شهر بندرعباس است. مطالعه از نوع توصیفی و با روش همبستگی انجام گردید. جامعه پژوهش شامل کلیه زنان بالای ۱۸ سال شهر بندرعباس بوده که با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی تعداد ۳۸۹ نفر انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته فضای شهری و پرسشنامه احساس امنیت چلبی (۱۳۸۵) بود که در بستر پرس لاین اجرا گردید.

نتایج تحقیق نشان داد که میزان احساس امنیت زنان در بندرعباس ۶۸/۰۸ و انحراف معیار آن برابر با ۱۱/۶۱ می‌باشد. همچنین، میانگین مناسب بودن فضای شهری ۵۶/۴۸ و انحراف معیار آن ۹/۶۷ می‌باشد. یافته‌های استنباطی تحقیق نشان داد که بین فضای شهری و احساس امنیت زنان رابطه وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی ($r=0.37$) می‌باشد و نشان دهنده این است که هرچه قدر فضای شهری نامناسب تر باشد احساس امنیت زنان هم کمتر خواهد بود. همچنین رابطه بعد اجتماعی فضای شهری (-۳۷) و احساس امنیت، رابطه بعد کالبدی فضای شهری و احساس امنیت (-۲۹)، بعد مبلمان شهری و احساس امنیت (-۲۵) و بعد دسترسی به خدمات شهری و احساس امنیت زنان (-۱۴) می‌باشد که همه نشان دهنده رابطه منفی و معکوس بین نامساعد بودن فضای شهری و احساس امنیت زنان می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر به اهمیت نقش ابعاد فضای شهری و تاثیرات آن بر ذهنیت زنان اشاره می‌نماید و نشان می‌دهد که چگونه سیمای بصری یک شهر می‌تواند منجر به احساس امنیت یا ناامنی در بین زنان، شود. علائمی مانند نور کم خیابان، وجود ساختمان متروکه، نبود امکانات، تابلوهای راهنمایی، دسترسی به خدمات شهری نامناسب و جاده‌های تخریب شده از نظر زنان شواهدی دال بر ناامنی تلقی می‌شود.

واژگان کلیدی: فضای شهری، بعد کالبدی، بعد اجتماعی، بعد مبلمان شهری، احساس امنیت اجتماعی زنان، بندرعباس.

مقدمه و بیان مساله

امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند. حضور زنان در انواع عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در مقایسه با سال‌های اولیه قرن بیستم، رشدی چشمگیر داشته و حضور آنان در فضاهای شهری، امروزه به یک الزام تبدیل گردیده است. رعایت حقوق منشور شهروندی ایجاب می‌کند که زنان در جامعه و فضاهای شهری حضور یابند و آنان نیز همانند مردان، باید از شرایط برابر برای حضور در فضاهای عمومی شهری برخوردار باشند. ایجاد هرگونه محدودیت در استفاده زنان از فضاهای

^۱ دانشجویار گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران، (نویسنده مسئول)

(E mail: hedayatnik22@gmail.com)

^۲ دانشجویار گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران

^۳ فوق لیسانس پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران

عمومی و پارک‌ها، بر میزان سرزندگی و کیفیت زندگی و سلامت آنان تأثیر می‌گذارد و میتواند مانعی بر سر راه توسعه پایدار همه جانبه محسوب شود.

ویژگی مهم این جوامع که منجر به حضور فعالتر زنان شده، احساس امنیت در زنان است (بنی فاطمه و همکاران، ۱۳۹۵). احساس امنیت در واقع فرایندی است که باعث می‌شود افراد فارغ از هر گونه تهدیدی زندگی کنند. بوزان امنیت را مساوی با آزادی و یک چالش برای دولت‌ها می‌داند (آفولابی^۱، ۲۰۱۵). از نظر وی امنیت به‌دسته‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بوم شناختی تقسیم می‌شود که در تعامل باهم کار می‌کنند. تمام این ابعاد امنیت فقط در یک حیطه و یک هدف کار می‌کنند و آن هم حفظ انسجام و یکپارچگی اجتماع است (بوزان، ۱۹۹۱). حضور پر رنگ زنان در یک جامعه را می‌توان به‌عنوان نمادی از احساس امنیت در آن جامعه تلقی کرد. گلبر^۲ و همکاران (۲۰۱۷) تأکید می‌کنند که امنیت نقش اساسی را در افزایش بکارگیری زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و شغلی ایفا می‌کند. از آنجایی که بسیاری از استعدادها و نهفته در زنان جامعه وجود دارد، ایجاد امنیت برای آنان نظیر شرایط مناسب برای تامین شغل، آزادی عمل می‌تواند گامی مهم در جهت توسعه شهر و کشور باشد (بنی فاطمه و همکاران، ۱۳۹۵).

فضای شهری مناسب، فضایی است که بستر ساز تعاملات اجتماعی افراد باشد و اصلی ترین رسالت هر فضای شهری برقراری محیطی برای بروز این تعامل‌ها است (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۴). زمانی می‌توان فضای با تعامل اجتماعی را به‌وجود آورد که شهروندان با احساس امنیت در آن قدم بگذارند.

واکیم^۳ و همکاران (۲۰۱۸) بیان می‌کنند که همه نقاط شهر به یک اندازه احساس امنیت را تامین نمی‌کنند و شکل خیابان و ساختمان‌ها، میزان نوردهی و دسترسی به نیروهای خدماتی هرچه سخت‌تر باشد، زمینه را برای احساس ناامنی فراهم می‌آورد. میزان روشنایی شهر خصوصاً در حاشیه و حومه‌ها، دسترسی به خدمات سبز یا محلی برای فعالیت، کنش‌گری و استراحت بانوان بدون مزاحمت، مدت زمان بیرون ماندن در شب از نقاط عطف اساسی فضای شهری است که نیاز است نقش ارتباط ابعاد فضای شهری با احساس امنیت بررسی شود. فضای شهری که از مهمترین فضاهای عمومی به‌شمار می‌رود، در ارتقا کیفیت زندگی افراد از ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و زیستی نقش مهمی ایفا می‌کند (خاک زند و آقا بزرگی، ۱۳۹۳).

بندرعباس مانند دیگر مرکز استان‌ها از روند مدرنیزاسیون در ایران تأثیر پذیرفته و چهره شهر در سالیان اخیر تاییدی بر این مدعاست. شهری با بافتی نسبتاً سنتی که ارزش‌ها، زبان، پوشش و فرهنگ بومی خود را حفظ کرده و از طرف دیگر بدلیل موقعیت تجاری آن باعث شده تا به‌صورت قابل توجهی رشد کند و به‌قطب اقتصاد ایران بدل شده که یک جهش برای این شهر است. در گذشته ساکنین این شهر صرفاً از افراد بومی و شهرستان‌های اطراف بوده ولی با ورود افراد مهاجر به بندرعباس، بررسی احساس امنیت شهروندان خصوصاً زنان اهمیت دوچندان می‌یابد. نتایج تحقیق صنعت‌خواه و ترکی زاده (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که میزان احساس امنیت اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین شهر بندرعباس ۲،۵۹ از ۵ یعنی کمتر از میزان متوسط می‌باشد. برداشت و ادراک شهروندان از امنیت به‌ویژه از نظر زنان برای ایجاد کیفیت زندگی مناسب نقش اساسی دارد. پژوهش حاضر به دنبال آن است که میزان احساس امنیت اجتماعی زنان در فضای شهری بندرعباس را مورد بررسی قرار دهد؟ و همچنین بررسی این موضوع که فضا (کالبد) شهری و مولفه‌های آن چه تأثیری بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارد؟

پیشینه‌های تحقیق

بیات (۱۳۹۶) در پژوهشی با هدف بررسی تعیین ارتباط بین فضای شهری و احساس امنیت اجتماعی در شهر تهران به این نتیجه رسید

¹ Afolabi

² Gelber

³ Wakim

که از بین ۶۵۰ نفر شرکت کننده در پژوهش، بین احساس امنیت و منطقه سکونت و احساس تعلق به مکان رابطه معنی داری وجود دارد و هرچه تعلق به محله ای بیشتر باشد، احساس امنیت بیشتر می شود.

طالب پور (۱۳۹۶) در بررسی با هدف بررسی رابطه فضاهای بی دفاع شهری با احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان تهران) به این نتیجه رسید که فضای شهری بر احساس امنیت تاثیر داشته و هر چه فضا با دفاع باشد بیشتر از بی دفاع بر احساس امنیت شهروندان موثر است. همچنین طراحی نامناسب فضای شهری، عدم نظارت و حضور افراد غریبه می تواند ۷۹ درصد از احساس نا امنی شهروندان را مستقلاً کند.

پور احمد و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی با هدف ارزیابی امنیت زنان در فضاهای شهری که با مطالعه موردی شهر اهواز بود به این نتیجه رسیدند که شاخص های نظارت، اجتماعی، رفتاری، کالبدی، مبلان شهری، محیطی و دسترسی به خدمات شهری بر احساس امنیت زنان تاثیر دارند. نظارت بیشترین تاثیر را در احساس امنیت و مبلان شهری کمترین تاثیر را در احساس امنیت دارد.

کریمی و دانشمهر (۱۳۹۸) در بررسی با هدف ادراک امنیت در فضاهای عمومی شهری که از پارک سرخه حصار شهر تهران به عنوان نمونه مطالعه استفاده شد نتیجه گرفتند که پهنه اقامت تاثیر زیادی در احساس امنیت دارد. مکان هایی از پارک که پهنه اقامت (پیاده رو) که ورودی نامناسب یا پرت دارند بیشتر احساس نا امنی ایجاد می کنند. پهنه های با امکانات کم یا دور از تفریح در نظر مردم نا امن تر هستند. همچنین هنرهای محیطی کمترین ارتباط را با احساس امنیت داشتند. آنها پیشنهاد کردند با افزایش نوردهی در شب، نظارت پلیس و افزایش پست های نگهبانی می توان احساس امنیت شهروندان را ارتقا داد.

بیسیجان^۱ (۲۰۱۷) در بررسی میزان توجه حوزه شهرسازی به متغیر جنسیت بیان کرد که، همچنان نقش جنسیت به عنوان یک عامل مهم نادیده گرفته می شود. با توجه به ادامه حاشیه نشینی زنان در برخی از شهرهای توسعه یافته همچنان به امنیت زنان و توانایی حضورشان در جامعه به اندازه مردان توجه کافی نمی شود. وی اضافه می کند برخی امتیازها نظیر بورسیه های تحصیلی شاید توانسته باشد امنیتی حقوقی ایجاد کنند اما همچنان فضای شهری نتوانسته برنامه ریزی انجام دهد که چالش های تبعیض قومیتی، سنی و جنسیت را برطرف سازد. وی در نهایت به برخی از برنامه های حمایتی انجام شده پرداخته و آن را پیشنهاد می کند. مثلاً در جنوب غربی انگلستان زنانی که از رفتن به اطراف محل سکونتشان واهمه داشتند را به سمت جاده های آزاد یعنی محل تردد خودروها سوق داده و شغل های در محل آنجا برایشان ترتیب دادند در حالی که مردان در پارک ها مشغول شدند. این کار باعث شد زنان جراتمندی بیشتری در روابط اجتماعی (مثلاً احوالپرسی از اطرافیان در شهر) را داشتند.

مندلی^۲ (۲۰۱۹) در بررسی با هدف بررسی پویایی فضاهای شهری در شهر جده عربستان که به تاثیر کاربرد مدرنیته در شهرسازی پرداخت و به این نتیجه دست یافت که توسعه شهری صرفاً تزریق صرف مدرنیته و ساخت و ساز خیابان طویل و برج های بلند نیست. بلکه در برنامه ریزی شهری باید به بسیاری از رهنمون هایی که به طور پنهان و بالقوه در توسعه نقش دارند توجه کرد. فضاهای شهری که در آن یک جو غیردوستانه و بی معنا ایجاد شده، در صورتی از بین می رود که نیازها و دغدغه های شهروندان و ساکنین شهر در طراحی ساختمان و مبلان شهری در نظر گرفته شود.

جنینگز و باموکل^۳ (۲۰۱۹) در بررسی با هدف ارتباط فضای شهری با انسجام اجتماعی به این نتیجه رسیدند که شهر می تواند ضامن سلامتی یا تخریب آن در بین افراد باشد. آنها بیان کردند که فضاهای سبز شهری می تواند به تعامل های مثبت اجتماعی که باعث انسجام شهری می شود، کمک کنند. در واقع هرچه شهر فضای آزاد و گشت و گذار و سبز داشته باشد بهتر می توان در آن تعامل مثبت انجام داد که به انسجام اجتماعی می انجامد.

¹ Beebejaun

² Mandeli

³ Jennings, V., & Bamkole

مبانی نظری

دیدگاه کالن

گوردون کالن^۱ از نظریه پردازان حوزه طراحی شهری در بریتانیا بر هماهنگی ادراک فضایی و بصری شهر تاکید کرده است. وی در طراحی فضای شهری بیان می کند که مناظر شهری چشم اندازی متوالی به ما می دهد. بعد از آنکه جنگ جهانی با خسارات بی شمار خود اروپا را به ویرانه ای تبدیل کرده بود، دولت ها مصمم بودند که برای بازسازی شهرهایشان از راهبردها و نقشه های مهندسی استفاده کنند که بهترین مورد بوده و نقص های آن کم باشد. همچنین شهرها را بتوان بعد از مدتی به خوبی گسترش داد. نیاز به خانه، خدمات اداری و ورود فناوری های مختلف بریتانیا بعد از جنگ جهانی را به سمت نیاز به مسکن بهتر، محیط آرامش بخش تر، ارتباطات سریع تر و هماهنگی بهتر اجزای شهر واداشت. غلبه دید مهندسی مدرنیته در ساخت و ساز شهری باعث شده که کمتر به ابعاد اجتماعی ساخت شهر توجه شود. از این رو کالن در دیدگاه خود معتقد بود که ساخت و ساز یک شهر کارآمد علی رغم استفاده از متخصصان مختلف حوزه های مهندسی، جمعیت شناسی و جامعه شناسی هنوز آن روح و انگیزه لازم را ندارد. کالن معتقد است که باید در ساخت و ساز شهری "ارتباط" وجود داشته باشد و از این حیث بود که به معماری شهری مدرن که صرفا زیبایی ساختمان و محلات شهری را در نظر گرفته انتقاد نمود (مونتس^۲، ۲۰۱۶؛ ۳۲-۳۳).

نظریه مامفورد

لوئیس مامفورد^۳ متفکر قرن بیستم که دیدگاهش به شهرسازی انسانگرایانه^۴ معروف است جزو اولین نظریه پردازانی است که به ایجاد احساس امنیت، حس مکان و مقیاس های شهری توجه کرده است. وی شهر را نشانه بلوغ فکری و فرهنگی یک کشور می داند. از دید مامفورد شهر فقط یک سری ساختمان نیست و نباید فقط به مکان ها و راه های پیاده و سواره توجه کرد بلکه باید شهر را یک سیستم فرهنگ سازی دید. وی در کتاب فرهنگ شهری خود ضمن بیان تشریحی خانه ها و شهرسازی قرون وسطا ابراز کرد که نبود حقوق انسانی و شهروندی در روستایان ضعف عمده فضای شهری دوران گذشته بود که منجر به سقوط آن شد (کاشانی جو، ۱۳۸۹؛ ۱۰۲).

در واقع وی باور داشت شهرها نماد تفکر و باورهای فرهنگی و تاریخی زمان خودشان هستند و از روی بافت های شهری می توان ابعاد اجتماعی و فرهنگی را استنباط نمود. وی عقیده دارد ایجاد امنیت برای شهروندان را نمی توان با کشیدن دیوار دور شهر یا حصار برآورد نمود. چنانچه استدلال وی این بود که در زمان شیوع طاعون در اروپا هیچ کدام از حصارهای دولت فنودال به داد مردمانش نرسیدند. بنابراین فضای بی دفاع شهری را نمی توان با حصار و دیوار کشیدن درست کرد، چنانچه در معماری شهری در قرون بیستم منحل شد و آنچه احساس امنیت شهروندان را تامین می کرد حضورشان در تعامل با همدیگر و حس مکان به منطقه زندگی شان بود (ساجس^۵، ۲۰۱۶). مامفورد چهار اصل اساسی در شهرسازی را مد نظر قرار داد:

۱- برای طراحی شهر نیاز بدنی، اجتماعی و فردی انسان و یکپارچه کردن فعالیت ها در درون یک کل متعادل وجود دارد. شهرها باید طوری ایجاد شوند که ساختار متناسبی از نظر رفع این سه بعد داشته باشند.

۲- طراحان نیاز دارند تا اهمیت موسسات اجتماعی مانند مدرسه، کلیساها و مکان های دیگر عمومی را درک کنند و با دقت این محل ها را ارزیابی و طراحی کرده و فعالیت هایی که برای ارتقا فرهنگ مردم شهر و انتقال آن به نسل های بعد لازم است را مورد توجه قرار دهند.

¹ Gordon Cullen

² Montes

³ Lewis Mumford

⁴ Humanistic building city

⁵ Sachs

- ۳- طراحان می‌بایست کارکردهای اجتماعی و فضای باز که مردم باهم تعامل می‌کنند را درک کرده که این کار با توجه به مکانیابی و ساختار محل‌هایی نظیر رستوران‌ها، پارک‌ها، باغ‌ها و فضای سبز به عنوان قسمت‌های پیوند دهنده محیط شهری و تعامل فضای باز با فضای بیرون زده شهر را مورد توجه قرار دهند.
- ۴- طراحان شهری باید شهر را طوری طراحی کنند که امکان حداکثری تعداد فرصت‌های مطلوب برای جمعیت بزرگ در تعامل با هم فراهم شود و امکان برخورداری از امکانات برای همه باشد (آکیموتو^۱، ۲۰۰۹؛ ۳).

نظریه بوزان

در باب نظریه‌های مربوط به امنیت اجتماعی دو رویکرد کلی وجود دارد که به نام‌های دولت محور و قدرت محور معروف هستند. یکی از دیدگاه‌های دولت محور، نظریه باری گوردن بوزان^۲ است که دولت را مسئول اصلی تامین یا تخریب امنیت می‌داند. این عقیده ابتدا بوزان به همراه ویور با دیدگاه امنیت منطقه‌ای مطرح کردند. این نظریه مدتی بعد از اتمام جنگ سرد پدید آمد. البته بعدها وی از عقایدش عقب نشینی کرد و هم دولت و هم جامعه را مسئول تامین امنیت دانست. بوزان در دیدگاه خود بیان می‌کند که امنیت را باید همان شکل از تعریف نبودن تهدید بیان کرد ولی بعدها این دیدگاه را نیز تغییر داد و تعریفش از امنیت را منوط به نبودن تهدید ندانست و عوامل مختلف مانند رفاه اقتصادی را در وجود امنیت در افراد جامعه دخیل دانست.

بوزان عقیده داشت افرادی که در یک جامعه احساس امنیت می‌کنند با کسانی که آن را کمتر احساس می‌کنند، این تفاوت را دارند که افراد گروه اول برای داشتن احساس امنیت، نیاز ندارند برای تامین آن با کسی مذاکره و بحث کنند. بوزان ساختار امنیتی را در چهار مفهوم خلاصه بندی می‌کند. مرز^۳ یا ساختاری که حدود یک کشور و منطقه را از دیگری متمایز می‌سازد. دوم ساختار آنارشیک^۴ یعنی اینکه ساختار امنیت جامعه تک بعدی نیست و چندین واحد خودمختار دارد. قطب^۵ که نقش تقسیم ساختار قدرت در نظام امنیت منطقه‌ای است. ساخت اجتماعی^۶ که شامل الگوی دوستی و دشمنی بین واحدهای منطقه است. دشمنی یعنی رابطه‌ای که ترس و سوظن در آن باشد و دوستی یعنی حمایت و انتظار حمایت است و این دو در یک طیف خاص خودشان قرار دارند. البته دیدگاه بوزان روابط بین الملل کشورها را در موضوع امنیت مطرح می‌کند (بوزان و ویور، ۱۳۹۲؛ ۵۱).

احساس امنیت در نظر بوزان به ننگه‌داری از خصوصیت‌هایی اشاره می‌کند که هر عضو گروه باید عضویت در گروه را با هویت خودش مرتبط کند تا هویت گروهی را شکل دهد و در این صورت می‌توان امنیت را در این باب تعریف کرد. مثلاً احساس امنیت برای اقوام کرد ممکن است با دیگر اقوام متفاوت باشد و این از اشتراک هویت افراد با گروه قومی‌شان دارد. آن چیزی در نظر این افراد خطر و تهدید و به طبع نقض احساس امنیت تلقی می‌شود که این هویت را تهدید کند. هویت اجتماعی در افراد بخشی از حیات اجتماعی است که افراد را به جامعه متصل می‌کند و اگر به خطر بیفتد اعضای جامعه احساس نا امنی می‌کنند. این عوامل از سرکوب آزادی تا مداخله در شکل ابراز هویت می‌باشد (بوزان و ویور ۱۹۹۸؛ ۴). بنابراین با توجه به نظریه بوزان و کاربری آن در این پژوهش، می‌توان گفت که امکانات قابل استفاده برای زنان، لباس‌ها، رفتارهای اجتماعی و دیگر حقوق یا محدودیت‌های زنان می‌تواند نقطه اتکا یا تزلزل احساس امنیت در آنان باشد. بنابراین زنان زمانی احساس امنیت شان به خطر می‌افتد که نتوانند هویت اجتماعی منسجمی شکل داده و متصل به گروه اجتماعی نباشند. وقتی نتوانند هویت واقعی شان را در جامعه به دلایل محدودیت‌های مختلف و یا نگاه منفی ارائه دهند در جامعه احساس امنیت اجتماعی مناسبی ندارند.

¹ Akimoto

² Barry Gordon Buzan

³ Boundaries

⁴ Anarchic structure

⁵ Polarity

⁶ social structure

زنانه شدن فضای شهری

زن و مناسبات شهری تأثیرات عمیقی بر جامعه شهری گذاشته‌اند و در عین حال تأثیر گرفته‌اند. فضای شهری که به شکل و تمایلات مبتنی بر نیازهای زن باشد شکل مختلفی در سکونت گاه‌ها، فضاهای تجاری، فراغت، آموزشی دارد. در واقع دیدگاه زنانه شدن فضای شهری که فاضلی (۱۳۹۴) به طور جدی مطرح کرده این مسئله را بیان نموده که زنان چه تأثیراتی در ابعاد مختلف شهر یعنی کالبدی، مبلمان شهری، دسترسی و اجتماعی دارند. وی بیان می‌کند که تأثیرات زنان به شکلی است که می‌تواند یک محوطه را از مجموعه‌ای بسته و دور از نظارت به یک محوطه با دسترسی خدماتی و امنیتی بیشتر بدل کند. در واقع فضا آن چیزی است که با حضور زن در اجتماع شهری تغییر می‌کند که این تغییر اجتناب ناپذیر است زیرا که میان زن و زندگی ارتباط ناگسستی وجود دارد. وی باور دارد که رویه‌ها و فضای شهری به شکل جنسیتی تفکیک شده‌اند. ماهیت جنسیتی آن نیز بر زنان تأثیر گذاشته که نشان دهنده دوسویه بودن آن است. در بسیاری از شهرهای ایران، هنوز فضای مرد سالارانه حکم فرمایی دارد و این بنیان پدر سالارانه در فضای شهری منجر به ایجاد امنیت نابرابر در بین زنان و مردان شده است. مثلاً فضای امن برای تفریح و سرگرمی مردان بیشتر از زنان است و همچنین نقاطی که مردان بتوانند در آن گام بردارند برای زنان کمتر می‌باشد.

فاضلی (۱۳۹۴) به محوطه‌هایی نظیر کافه‌ها و فروشگاه‌ها به عنوان کالدهای مهم شهری اشاره کرده و همچنین از نظر مبلمان شهری به شکل پیاده‌روها، راه‌ها و فضای زمانی و محدوده‌ای که فرهنگ برای زنان جهت آزادی مجوز می‌دهد از جمله عواملی دانسته که از تعاملات زنان با جامعه و تغییرات اجتماعی به دست آمده است و در یک کلام، نتیجه مدرنیته شدن شکل شهرها است. در واقع مدرن شدن ظاهر شهر یا به عبارت عامیانه با کلاس و شیک شدن آن یک زمینه برای اعتماد و احساس امنیت در زنان ایجاد کرده است.

نظریه چلبی

از نظریه پردازان ایرانی که در خصوص امنیت صاحب نظر می‌باشد، دیدگاه امنیت چلبی است. از نظر او امنیت چهار مولفه اساسی دارد که تأمین کننده آن است و با هم تفاوت دارند. این ابعاد شامل مالی، جانی، جمعی و فکری است. چلبی امنیت را با تکیه بر اعتماد فرض می‌کند و بنابراین وقتی نا امنی پیش می‌آید که اعتماد اجتماعی کاهش یابد. چلبی برای حفظ اجتماع به یک تعادل در ابعاد مختلف، فرهنگی، سیاسی و غیره اشاره می‌کند. وی عنوان می‌کند که اگر جامعه‌ای بیشتر سابقه سیاسی بخود بگیرد و ابعاد دیگر آن نظیر فرهنگ افت کنند، از نظر اجتماعی یک گسست در انسجام و وفاق عمومی بوجود می‌آید. این اقدام موجبات آن را فراهم می‌کند که امنیت در ابتدایی ترین شکل ممکن مطرح شود یعنی گروه‌بندی در دسته دوست یا دشمن. به عبارتی اگر یک جامعه بیش از حد به امنیت گرایش یابد، یک ضرر عظیم را برای خود پیش خرید کرده است. بنابراین بایستی علاوه بر برآورده سازی ابعاد مختلف امنیت نظیر مالی از طریق استحکام وضعیت اقتصادی، جانی و بهداشتی از طریق کیفیت خدمات، جمعی از طریق حمایت از اقشار و فکری افراد باید به فکر دیگر جنبه‌های زندگی مردم باشد (چلبی، ۱۳۷۵؛ ۷۰).

چلبی استدلال می‌کند که امنیت از حقوق شهروندی است که جامعه برای شهروندان خودش فراهم می‌کند. مراد از امنیت احساس آرامش و عدم تهدید است که در محیط‌های دور و نزدیک ایجاد می‌شود (فتوحی اردکانی و یزدان پناه، ۱۳۹۸). چلبی احساس امنیت را پدیده‌ای چند بعدی می‌داند که شامل ابعاد زیر است:

بر طبق دیدگاه چلبی امنیت به ابعاد مالی، جانی، جمعی و فکری تقسیم می‌شود.

الف) امنیت مالی یعنی احساس ثابت فرد از داشتن توانایی مالی برای پیشامدهای ناگوار مانند دزدی

ب) امنیت جانی یعنی احساس فرد برای حفاظت از سلامتی در مقابله با تهدیدها

ج) امنیت جمعی یعنی احساس فرد برای رفتن و گردش آزادانه در خیابان محله‌ها و پارک‌ها

(د) امنیت فکری یعنی بررسی حوادث زندگی و اینکه چقدر قابلیت مستقلی داشته باشند (طاهری و همکاران، ۱۳۹۱).

روش شناسی پژوهش:

پژوهش حاضر بر اساس نوع داده‌هایی که جمع‌آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی و از لحاظ نوع برخورد با مساله مورد بررسی و ورود به آن، مطالعه‌ای میدانی است و همچنین از نظر ماهیت تحقیقی توصیفی می‌باشد. در این تحقیق از تکنیک پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر نیز کلیه زنان بالای ۱۸ سال شهر بندرعباس هستند. با توجه به شرایط ویژه بیماری کرونا از روش غیر تصادفی گلوله‌برفی استفاده و لذا تعداد ۳۸۹ نفر به مقیاس پاسخ دادند. در نهایت پرسشنامه‌ها در بستر پرس لاین جمع‌آوری شدند.

ابزار تحقیق حاضر پرسشنامه محقق ساخته برای سنجش احساس امنیت و فضای شهری است که شامل دو مقیاس فضای شهری و احساس امنیت می‌باشد.

الف) فضای شهری: مقیاس فضای شهری یک پرسشنامه محقق ساخته که دارای چهار بعد کالبدی، مبلمان شهری، اجتماعی و دسترسی به خدمات شهری هستند. نمره‌گذاری مقیاس از ۱ تا ۴ برای هر سوال بوده و نمره معکوس در آن وجود ندارد. با توجه به این نمره دهی حداقل نمره ۲۸ و حداکثر ۱۱۲ است. هرچه نمره بالاتر باشد نشان دهنده فضای شهری نامناسب تر از نظر شهروند است.

ب) احساس امنیت: این مقیاس توسط چلبی (۱۳۷۵) بود که دارای ۲۴ گویه در ابعاد مالی (در پژوهش حاضر ۲۹-۳۴)، جانی (۳۵-۴۲)، جمعی (۴۳-۴۶) و فکری (۴۷-۵۲) بود. نمره دهی این مقیاس در پژوهش حاضر به صورت لیکرت و گزینه‌های اصلاً تا زیاد (۱ الی ۴) می‌باشد. در نتیجه که حداقل نمره ۲۴ و حداکثر ۹۶ است. اعتبار درونی مقیاس به طور صوری در پژوهش طاهری و همکاران (۱۳۹۱) و پایایی آن در پژوهش پورافکاری (۱۳۹۰) با نمره متوسط ۰/۸۴ تایید گردید.

ج) اطلاعات دموگرافیک: این بخش از پرسشنامه تدوین شده در پژوهش حاضر شامل اطلاعاتی نظیر سن، تاهل، تحصیلات، تحصیلات مادر و پدر، درآمد خانوار، شغل و محله سکونت می‌باشد.

برای سنجش اعتبار و روایی متغیر احساس امنیت، روایی مقیاس به طور صوری و سازه‌ای و محتوایی در پژوهش طاهری و همکاران (۱۳۹۱) و پایایی آن در پژوهش پورافکاری (۱۳۹۰) با نمره متوسط ۰/۸۴ تایید گردیده است. در پژوهش حاضر برای تعیین اعتبار از روش محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شده که برای متغیر فضای شهری ۰/۸۶ و برای متغیر احساس امنیت ۰/۷۷ برآورد شده است.

یافته‌های تحقیق

وضعیت تاهل پاسخگویان نشان می‌دهد که ۱۸۶ نفر متاهل و ۲۰۳ نفر مجرد می‌باشند. توزیع فراوانی سنی پاسخگویان نشان می‌دهد که بیشترین افراد شرکت کنند گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال با تعداد ۱۲۸ نفر و کمترین گروه شرکت کننده گروه سنی ۴۶ الی ۵۰ سال بودند که جمعاً ۲۲ نفر را شامل می‌شدند.

توزیع فراوانی میزان تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد که ۱۳ نفر زیر دیپلم (۳/۳ درصد)، ۸۱ نفر دیپلم (۲۰/۸ درصد)، ۴۶ نفر فوق دیپلم (۱۱/۸ درصد)، ۱۶۸ نفر لیسانس (۴۳/۲ درصد) و ۷۲ نفر فوق لیسانس (۱۸/۵ درصد) و ۹ نفر (۲/۳ درصد) دکتری بودند.

توزیع فراوانی شغلی پاسخگویان نشان می‌دهد که، ۱۷ درصد زنان یعنی ۶۶ نفر خانه‌دار، ۱۲/۹ درصد (۵۰ نفر) دانشجو، ۵/۷ درصد (۲۲ نفر) مهندس، ۱۰/۳ (۴۰ نفر) کارمند دولتی، ۲۴/۹ (۹۹ نفر)، بیکار ۸/۵ درصد، (۳۳ نفر)، آزاد ۸ و ۳۰ درصد (۱۱۹ نفر) مشاغل دیگر داشتند.

توزیع فراوانی میزان درآمد ماهیانه خانوار نشان داد که درآمد خانوار بیشتر پاسخگویان ۹۰ نفر (۴۲/۴ درصد) بیش از ۴ میلیون تومان می‌باشد. بعد از آن در رده بعدی ۷۰ نفر (۳۱/۹ درصد) در آمدی بین سه‌الی چهار میلیون تومان در ماه را گزارش کردند. کمترین مقدار نیز مربوط به گزینه کمتر از ۲ میلیون تومان (۱۰/۵ درصد) بوده است.

شاخص‌های آماری متغیرهای اصلی تحقیق نشان می‌دهد که میانگین مناسب بودن فضای شهری ۵۶/۴۸ و انحراف معیار آن ۹/۶۷ می‌باشد. همچنین آماره‌های متغیر احساس امنیت اجتماعی نشان می‌دهد که میانگین این متغیر ۶۸/۰۸ و انحراف معیار آن برابر با ۱۱/۶۱ می‌باشد.

یافته‌های استنباطی

فرضیه ۱: بین فضای شهری با احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر بندرعباس رابطه وجود دارد.

جدول ۱: نتایج تحلیل همبستگی رابطه فضای شهری با احساس امنیت اجتماعی زنان

متغیر وابسته	احساس امنیت		
متغیر مستقل	ضریب همبستگی	مقدار P	سطح معنی داری
فضای شهری	-۰/۳۳۱	۰/۰۰۱	۰/۰۵

جدول شماره ۱ نشان دهنده رابطه بین فضای شهری و احساس امنیت است. ضریب همبستگی در این رابطه (-۰/۳۳) و سطح معنی داری آن کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین بین فضای شهری با احساس امنیت اجتماعی زنان شهر بندرعباس رابطه معنی دار وجود دارد. منفی شدن ضریب همبستگی نشان می‌دهد که رابطه جهت معکوس دارد. مقیاس فضای شهری محقق ساخته به گونه‌ای ایجاد شده که هرچه نمره بالاتر باشد، کیفیت فضای شهری از نظر افراد پایین قلمداد می‌گردد. به عبارت دیگر وقتی افراد در گویه‌ها، نمره بالا را انتخاب می‌کنند به معنای نامناسب بودن آن مولفه در نظر آنان هست.

فرضیه ۲: بین بعد اجتماعی فضای شهری با احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر بندرعباس رابطه وجود دارد.

جدول ۲: تحلیل همبستگی رابطه بعد اجتماعی فضای شهری با احساس امنیت اجتماعی

متغیر وابسته	احساس امنیت اجتماعی		
متغیر مستقل	ضریب همبستگی	مقدار P	سطح معنی داری
بعد اجتماعی	-۰/۳۷۲	۰/۰۰۱	۰/۰۵

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بین بعد اجتماعی فضای شهری با احساس امنیت رابطه معنی داری وجود دارد چرا که مقدار بدست آمده ۰/۰۰۱ از حد بحرانی ۰/۰۵ کمتر است. ضریب همبستگی پیرسون در این رابطه -۰/۳۷۲ می‌باشد که نشان دهنده جهت معکوس می‌باشد. در مقیاس پژوهش حاضر، نمره بالا در ابعاد فضای شهری، نشان دهنده فضای شهر نامطلوب تر است بنابراین براساس فرضیه حاضر هرچه نمره بعد اجتماعی فضای شهری بالاتر برود، احساس امنیت اجتماعی کاهش می‌یابد و برعکس. از این نظر می‌توان گفت که هرچه میزان بعد اجتماعی شهری یعنی از نظر زورگیری، تخریب اموال عمومی، بزهکاری و دیگر عوامل

اشاره شده در مقیاس نامناسب تر باشد، نمره احساس امنیت کاهش می یابد.

فرضیه ۳: بین بعد کالبدی فضای شهری با احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر بندرعباس رابطه وجود دارد.

جدول ۳: تحلیل همبستگی رابطه بعد کالبدی با احساس امنیت اجتماعی زنان

متغیر وابسته		احساس امنیت	
متغیر مستقل	ضریب همبستگی	مقدار P	سطح معنی داری
کالبدی	-۰/۲۹۵	۰/۰۰۱	۰/۰۵

جدول شماره ۳ نشان می دهد که بین بعد کالبدی فضای شهری با احساس امنیت رابطه معنی داری وجود دارد چرا که مقدار بدست آمده ۰/۰۰۱ از حد بحرانی ۰/۰۵ کمتر است. ضریب همبستگی پیرسون در این رابطه -۰/۲۹۵- می باشد که نشان دهنده جهت معکوس رابطه و شدت نسبتا کم می باشد. بر این اساس هرچه نمره بعد کالبدی فضای شهر بیشتر باشد، احساس امنیت اجتماعی زنان کاهش می یابد و برعکس. از این نظر می توان گفت که هرچه میزان کالبد فضای شهری نامناسب تر باشد، نمره احساس امنیت کاهش می یابد.

فرضیه ۴: بین بعد مبلمان شهری فضای شهری با احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر بندرعباس رابطه وجود دارد.

جدول ۴: نتایج تحلیل همبستگی رابطه بعد مبلمان شهری با احساس امنیت اجتماعی زنان

متغیر وابسته		احساس امنیت	
متغیر مستقل	ضریب همبستگی	مقدار P	سطح معنی داری
مبلمان شهری	-۰/۲۵۰	۰/۰۰۱	۰/۰۵

نتایج آزمون فرضیه چهارم نیز معنی داری بین دو متغیر مبلمان شهری با احساس امنیت را نشان می دهد زیرا مقدار آن از سطح بحرانی ۰/۰۵ کمتر است. منفی بودن ضریب همبستگی پیرسون نشان دهنده ارتباط معکوس بین متغیرها است. گویه های مبلمان شهری به صورتی است که در آن نمره بالا نشان دهنده کیفیت پایین مبلمان شهری نظیر المانها، پیاده رو و به طور کلی ظاهر شهر بود. بنابراین، نمره بالا به معنای نامناسب بودن مبلمان شهری بوده و رابطه معکوس آن نشان دهنده آن است که هرچه در نامناسب بودن مبلمان شهری نمره بالاتری داشته باشیم، احساس امنیت اجتماعی کمتر می شود.

فرضیه ۵: بین بعد دسترسی به خدمات شهری با احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر بندرعباس رابطه وجود دارد.

جدول ۵: نتایج تحلیل ضریب همبستگی رابطه بعد دسترسی به خدمات شهری با احساس امنیت اجتماعی زنان

متغیر وابسته		احساس امنیت	
متغیر مستقل	ضریب همبستگی	مقدار P	سطح معنی داری
دسترسی به خدمات شهری	-۰/۱۴۲	۰/۰۰۵	۰/۰۵

آزمون فرضیه پنجم معنی داری بین دو متغیر دسترسی به خدمات شهری با احساس امنیت را نشان می دهد زیرا مقدار آن از سطح

بحرانی ۰/۰۵ کمتر است. منفی بودن ضریب همبستگی پیرسون نشان دهنده ارتباط معکوس بین متغیرها است. مقدار ضریب همبستگی در این رابطه (۱۴-) می باشد. از آنجایی که نمره بالا نشان دهنده دسترسی به خدمات شهری نامناسب تر است بنابراین هرچه دسترسی به خدمات شهری نامناسب تر باشد، امنیت اجتماعی کمتر می شود.

تحلیل رگرسیونی

در این پژوهش از رگرسیون چندمتغیره و روش گام به گام برای تعیین متغیرهایی که بهتر می توانند تبیین کننده ی متغیر وابسته باشند، بهره گرفته شده است.

جدول ۶: ضرایب رگرسیونی تبیین کننده امنیت اجتماعی

شاخص	R	R ²	F	معنی داری
ضریب	۰/۳۹۲	۰/۱۵۳	۱۷/۳۸	۰/۰۰۱

جدول ۷: تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با آزمون رگرسیون

متغیر مستقل	r ²	تحلیل واریانس تک متغیری (F)	معنی داری	ضریب غیر استاندارد (B)	بتا	t مستقل	معنی داری
بعد اجتماعی	۰/۱۳۹	۶۲/۲۶	۰/۰۰۱	-۱/۱۶	-۰/۳۷۲	-۷/۸۹	۰/۰۰۱
مبلان شهری	۰/۰۸۷	۲۵/۸۱	۰/۰۰۱	-۰/۵۲۹	-۰/۲۵۰	-۵/۰۸	۰/۰۰۱
بعد کالبدی	۰/۰۶۳	۳۶/۹۴	۰/۰۰۱	-۰/۸۳۷	-۰/۲۹۵	-۶/۰۷	۰/۰۰۱
دسترسی به خدمات شهری	۰/۰۲۰	۷/۹۹	۰/۰۰۵	-۰/۳۶۲	-۰/۱۴۲	-۲/۸۲	۰/۰۰۵

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره در جدول ۶ نشان می دهد که میزان F مدل فوق ۱۷,۳۸ و میزان معناداری آن برابر ۰,۰۰۱ بوده و نشان دهنده ی معناداری کل مدل می باشد.

ضریب تعیین R² نشان می دهد که متغیرهای مستقل در مجموع ۱۵/۳ درصد تغییرات احساس امنیت اجتماعی در زنان را تبیین می کنند. همچنین در جدول ۷ اثر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته گزارش شده است. بر اساس محاسبات رگرسیونی چهار بعد اجتماعی، مبلان شهری، کالبدی و دسترسی به خدمات شهری به طور جداگانه برای تبیین احساس امنیت اجتماعی وارد تحلیل رگرسیون شدند.

با مقایسه ضرایب رگرسیونی (Beta) مشخص می شود که بیشترین تأثیر را متغیر بعد اجتماعی فضای شهری با ضریب -۳۷/ B=، بعد کالبدی فضای شهری با ضریب -۲۹۵/ B=، بعد مبلان شهری با ضریب -۲۵۰/ B= و کمترین تأثیر را متغیر دسترسی به خدمات شهری با ضریب -۱۴۲/ B= بر متغیر احساس امنیت اجتماعی زنان دارد.

بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین فضای شهری و احساس امنیت اجتماعی زنان می باشد. فضای شهری شامل ابعاد، اجتماعی، بعد کالبدی، دسترسی به خدمات شهری و مبلان شهری می باشد. احساس امنیت هم با استفاده از نظریات به ابعاد ۴ گانه مالی، جانی، جمعی و فکری دسته بندی شده است که با استفاده از پرسشنامه داده های مربوطه جمع آوری گردیده است. با توجه به

بررسی‌های انجام شده مشخص شد که میانگین مناسب بودن فضای شهری از نظر پاسخگویان، در حد متوسط بوده و احساس امنیت اجتماعی زنان نیز بالاتر از متوسط گزارش شده است.

یافته‌های تحقیق نشان داد که مناسب بودن فضای شهری با احساس امنیت زنان رابطه دارد و هر چقدر فضای شهری نامناسب تر باشد زنان ناامنی بیشتری را احساس می‌کنند. پوراحمد و همکاران (۱۳۹۶) فضای شهری و ابعاد آن را در احساس امنیت مهم تلقی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که هرچه فضای شهری مناسب تر باشد یعنی مشکلات اجتماعی مانند بزهکاری کمتری داشته باشد، ساخت و سازها مناسب و منظم باشند، نوردهی و دسترسی مناسب به خدمات و پلیس وجود داشته باشد، احساس امنیت نیز در شهروندان نمره بالایی دریافت می‌شود. بیبیجان (۲۰۱۷) در بررسی خود نشان داد که احساس امنیت در زنان می‌تواند متفاوت باشد و تعریفی که آنها از امنیت می‌دهد دلیل حساسیت آنها به فضای شهری است. در واقع یافته‌وی نیز نشان داد فضای شهری ارتباط معنی داری با احساس امنیت دارد که در زنان می‌تواند مهم تر تلقی شود.

علاوه بر این، آزمون فرضیه رابطه بین بعد اجتماعی فضای شهری و احساس امنیت زنان هم معنی دار بودن این رابطه را تایید کرد. عبارت دیگر هرچه بعد اجتماعی شهری با شاخص‌هایی مانند زورگیری، تخریب اموال عمومی، بزهکاری و دیگر شاخص‌ها نامناسب تر باشد، احساس امنیت زنان نیز کاهش می‌یابد. بیرانوندزاده و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی خود نشان دادند که فضای شهری با احساس امنیت ارتباط دارد و بعد اجتماعی نقش مهمی در این رابطه دارد. بررسی یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد بعد اجتماعی بیشترین ضریب همبستگی را دریافت کرد. علاوه بر آن، بعد اجتماعی به تنهایی ۱۳/۶ درصد از تغییرات احساس امنیت را در آماره رگرسیون به خود اختصاص داد و بنابراین یافته‌ها با هم همسویی دارد. بیبیجان (۲۰۱۷) در مقاله خود این اهمیت را عنوان کرده و بر این مسئله تاکید داشته است که برای رسیدن به یک ایده آل فمینیستی و برابری هر دو جنس در برخورداری از امکانات بایستی فضای شهرها بر اساس نیاز هر دو جنس تعریف شوند. بنابراین فضای شهری باید از نظر اجتماعی مناسب باشد و زنان بتوانند به راحتی در سطح شهر تردد کنند، این امر به نوعی می‌تواند تایید کننده اعتماد به سطح امنیت یک شهر از نظر زنان باشد، چرا که این بعد به طور جدی می‌تواند با تهدیدهای جانی آنها هم مرتبط باشد.

یافته‌های تحقیق همچنین نشان داد که کالبد شهری رابطه معنی داری با احساس امنیت زنان دارد و هرچقدر کیفیت کالبد شهری مناسب تر باشد احساس امنیت زنان نیز بیشتر خواهد بود. بعد کالبدی یکی از ابعاد مهم برای سنجش فضای شهری است که به خود بافت شهر توجه می‌کند. وجود بافت‌های فرسوده، نا هماهنگی بین فضاها و زمین‌های پرت و بایر نمونه‌ای از آنها هستند. کیفیت فضای کالبدی شهر بر مکان زندگی ساکنان تاثیر فراوانی دارد. همچنین نتایج تحقیق آذر و محمدی بیرنگ (۱۳۹۸) نشان داد که میان کیفیت کالبدی و احساس امنیت زنان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. در مدل شهر دوست دار زن که در ابتدا در کره جنوبی و سپس در ایران توسط فاضلی و ضیاجی (۱۳۹۳) اجرا شد، بیان گردید که فضا و کالبد یک شهر اهمیت زیادی در احساس امنیت زنان دارد. در دیدگاه معماری شهری سابقا بر زیبایی ظاهری شهری یا الگوی تسهیل در فرایند ماشینی و اداری تاکید می‌شد. ویسلون و کلینک در دیدگاه خود بنام نظریه پنجره شکسته بیان کردند که جامعه می‌تواند یک سری ظواهر شهری را نشانه‌ای برای استنباط نهایی در نظر بگیرد. مثلا در یک محله وجود یک ساختمان مخروبه یا شیشه شکسته به عنوان تهدید امنیت در نظر گرفته شود بخصوص در قشر زنان که از نظر بیبیجان (۲۰۱۷) نسبت به امنیت حساس تر هستند.

یکی دیگر از فرضیات تحقیق رابطه بین مبلمان شهری و احساس امنیت زنان بود، که این رابطه نیز از نظر آماری رابطه معنی داری نشان داد. به طور کلی مبلمان شهری آینه‌ای از فرهنگ و هویت شهر بوده که با اشیای جزئی نظیر سطل زباله، تابلوها، پل عابر پیاده‌ها و غیره از نظر ظاهر و چه کیفیت نشان دهنده مبلمان شهری است (بیبیجان، ۲۰۱۷). هولتون و همکاران (۲۰۱۵) بیان کردند که فضای سبز، پارک‌ها و پیاده‌روهای سالم و زیبا به شهر رنگ و بوی تازه‌ای می‌دهد. رویکرد فمینیستی علاوه بر بعد اجتماعی، بر مبلمان شهری نیز تاکید دارد، چرا که المان‌هایی نظیر پارک، پیاده‌رو مناسب، خیابان خط کشی شده و غیره را در بر دارد که بر قدرت

عاملیت هر دو جنس، بخصوص زنان تاکید می کند (فدریچی، ۲۰۱۸). بنابراین می توان بیان کرد که ظاهر یک شهر علاوه بر ساختار و کالبد می تواند از اجزای درون سیستم یک شهر نیز متأثر شود. بعد مبلمان شهری می تواند احساس تعلق و مکان را ایجاد کند که در کنار اعتماد به شهر (در بعد اجتماعی و کالبدی) برای تردد در شهر، تعهدی برای محافظت از آن نیز در زنان بوجود آورد.

نتایج تحقیق همچنین نشان داد که هر چقدر دسترسی به خدمات و فضای شهری راحت تر و مناسب تر باشد، زنان احساس امنیت بیشتری خواهند داشت. کریمی و دانشمهر (۱۳۹۸) بیان کردند که مکان های با ورودی و خروجی نامناسب، نور و آنتن دهی کم، فقدان نظارت امنیتی و پلیس می تواند به شدت احساس امنیت در شهروندان را کاهش دهد. این نتایج با یافته پژوهش حاضر همسویی دارد. دسترسی شهری مهمترین امتیاز محسوب می شود و هر شهر یا محله ای که امکانات و تجهیزات بهتری در خود داشته یا دسترسی راحت تری به آنها ایجاد کرده باشد، توجه بهتری از طرف مردم بخصوص زنان دریافت می کند. پور احمد و همکاران (۱۳۹۶) یکی از دلایل اینکه زنان در مرکز شهر تجمع بیشتری دارند را وجود امکانات بهتر دانسته اند. در واقع می توان استناد کرد که بعد دسترسی به خاطر ارائه امکانات بهتر به ایجاد احساس امنیت کمک شایانی می کند. یک زن ممکن است در سطح شهر نیازهای مختلفی داشته باشد که بسته به شرایط در زمان های مختلفی ظاهر شوند. بنابراین آنها جاهایی را انتخاب می کنند که بیشترین امکانات را داشته باشد تا بتوانند اکثر نیازهای خود را برطرف کنند. علاوه بر این فضاهای قابل دسترسی شهری در شرایط اضطراری نظیر تهدید آزارگران، امکان بیشتری برای کمک گرفتن به دست می دهند. از نظر نیومن چنین فضاهایی کمتر اجازه تهدید می دهد و با افزایش فضای قابل دفاع شهری در طراحی ساختمان ها و تامین امکان مراقبت از شهروندان می توان احساس امنیت را افزایش داد (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۹؛ ۷۳).

تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد که متغیرهای تحقیق در تعیین احساس امنیت زنان نقش دارند و مهمترین متغیرها در این رابطه، به ترتیب بعد اجتماعی، بعد کالبدی و بعد مبلمان شهری بیشترین تاثیر را در احساس امنیت زنان دارند.

منابع

- آذر، علی و محمدی بیرنگ، مهدیه (۱۳۹۸). تحلیل احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی با تأکید بر پارک های شهری، مطالعه موردی: تبریز، دو فصلنامه علمی پژوهشهای بوم شناسی شهری، سال دهم، شماره ۲، پیاپی ۲۰، پاییز و زمستان، ۲۷-۴۰.
- بنی فاطمه، حسین؛ عزیززاده اقدم، محمد باقر؛ صبوری، رباب. (۱۳۹۵). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان شاغل در سازمان ها و ادارات دولتی شهر تبریز و عوامل مرتبط با آن، پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۵(۱)، ۲۹-۴۶.
- بیات، بهرام. (۱۳۹۶). تبیین ارتباط بین فضای شهری و احساس امنیت اجتماعی در شهر تهران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۶(۲)، ۳۲۹-۳۵۰.
- بیرانوندزاده، مریم؛ ابدالی، یعقوب؛ مومنی چلکی، مهتاب. (۱۳۹۸). بررسی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری (مطالعه موردی: پارک بعثت منطقه ۱۶ شهرداری تهران)، مجله جغرافیا و روابط انسانی، ۳۰۸-۳۲۱.
- پوراحمد، احمد؛ آروین، محمود؛ رحیم پور، نگار. (۱۳۹۶). ارزیابی احساس امنیت زنان در فضای شهری: مطالعه موردی: منطقه یک شهر اهواز، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، ۲۳، ۵۳-۶۸.
- پورافکاری، نصرالله. (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر میزان احساس امنیت در زنان شاغل در بخش خصوصی (مطالعه موردی شهر اصفهان)، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، ۵(۱۴)، ۴۵-۷۴.
- پورجعفر، محمدرضا؛ رضایی فر، فاطمه؛ تقوایی، علی اکبر. (۱۳۸۹). فضاهای قابل دفاع به عنوان سرمایه ای اجتماعی در کاهش میزان جرم های شهری و ارتقای امنیت محیطی (با توجه به شهرهای سنتی ایران) دانشنامه ی علوم اجتماعی، شماره ی ۳.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی.

- خاک زند، مهدی؛ کیا، آنوشا. (۱۳۹۳). بررسی ترجیحات و تمایزات رفتاری کاربران تهرانی در فضاهای سبز شهری رویکردی در جهت استفاده بهینه از فضاهای سبز شهری. دوفصل نامه معماری و شهرسازی طرح و نماد، (۷)، ۲۵-۳۶.
- صنعت خواه، علیرضا و ترکی زاده، علی (۱۳۹۷). بررسی احساس امنیت در مناطق حاشیه نشین و عوامل موثر بر آن، با تاکید بر مناطق حاشیه نشین شهر بندرعباس در سال ۱۳۹۶. مطالعات آینده پژوهی و سیاستگذاری تابستان ۱۳۹۷، دوره چهارم - شماره ۱۱ (از ۵۴ تا ۷۰)
- طالب پور، اکبر. (۱۳۹۶). رابطه فضاهای بی دفاع شهری با احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان شهر تهران)، مطالعات جامعه شناختی شهری، ۷(۲۲)، ۱۳۵-۱۵۶.
- طالب پور، اکبر. (۱۳۹۶). رابطه فضاهای بی دفاع شهری با احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان شهر تهران)، مطالعات جامعه شناختی شهری، ۷(۲۲)، ۱۳۵-۱۵۶.
- طاهری، زهرا؛ ربانی، رسول؛ ادیبی سده، مهدی. (۱۳۹۱). رابطه نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان سال ۱۳۸۸، پژوهش راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۱(۱)، ۲۱-۳۸.
- علیمردانی، مسعود؛ مهدی نژاد، جمال الدین؛ افهمی، طلیعه. (۱۳۹۴). رشد کیفی فضای شهری به منظور ارتقا تعاملات اجتماعی، (نمونه موردی خیابان احمد آباد مشهد)، دوفصلنامه هنرهای کاربردی، ۷، ۵-۱۴.
- فاضلی، نعمت الله. (۱۳۹۴). زنانه شدن فضای شهری در ایران امروز، با تکیه بر فضای کلان شهر تهران، ویژه نامه پژوهش نامه زنان (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶(۱)، ۱۰۷-۱۳۲.
- فاضلی، نعمت الله؛ ضیاجی، محدثه. (۱۳۹۳). شهر دوستدار زن: شناسایی معیارهای شهر دوستدار زن از نظر زنان متعلق به پایگاه ها و تیپ های اجتماعی تهران، جامعه پژوهی فرهنگی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵(۳)، ۵۹-۹۳.
- فتوحی اردکانی، فرزانه السادات؛ یزدان پناه، لیلا. (۱۳۹۸). واکاوی مفهومی و نظری امنیت و احساس امنیت، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۱(۵)، ۲۲-۳۲.
- کاشانی جو، خشایار. (۱۳۸۹). بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، نشریه هویت شهر، ۴(۶)، ۹۵-۱۰۶.
- کریمی، علیرضا؛ دانشمهر، حسین. (۱۳۹۸). ادراک امنیت در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پهنه های پارک سرخه حصار شهر تهران)، نشریه مطالعات شهری، ۲۱، ۹۷-۱۰۸.
- Afolabi, M. B. (2015). Concept of Security. Readings in Intelligence and Security Studies, 1-9.
- Akimoto, Fukuo. (2009). Lewis Mumford's City and Regional Planning Ideas Revisited, Thirteenth National Conference on Planning History, At Oakland, California. USA.
- Beebejaun, Y. (2017). Gender, urban space, and the right to everyday life. *Journal of Urban Affairs*, 39(3), 323-334.
- Buzan, B., & Waever, O. (1998). *Liberalism and Security: The contradictions of the liberal Leviathan*. Copenhagen Peace Research Institute.
- Buzan, Barry (1991) *People, States, and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era*, 2nd edn, Boulder: Lynne Rienner.
- Gelber, A., Isen, A., & Song, J. (2017). The role of social security benefits in the initial increase of older women's employment: Evidence from the social security notch. In *Women Working Longer: Increased Employment at Older Ages* (pp. 239-268). University of Chicago Press.
- Gössling, S., Schröder, M., Späth, P., & Freytag, T. (2016). Urban space distribution and sustainable transport. *Transport Reviews*, 36(5), 659-679.
- Inceoglu, M., & Aytug, A. (2009). The Concept of Urban Space Quality. *Megaron/yildiz technical university, Faculty of architecture E Journal*, 4(3), 131-146.
- Jennings, V., & Bamkole, O. (2019). The relationship between social cohesion and urban green space: An avenue for health promotion. *International journal of environmental research and public health*, 16(3), 452.
- Mandeli, K. (2019). Public space and the challenge of urban transformation in cities of emerging economies: Jeddah case study. *Cities*, 95, 102409.

- Martin, P; Weaver; D. A. (2005). Social security: A program and policy history, *Social security bulletin*, 66(1): 1-15.
- Montes, C. (2016). Gordon Cullen y The Architectural Review: ideas no construidas para Marlow New Town| Gordon Cullen and The Architectural Review: unbuilt ideas for Marlow New Town. *ZARCH*, (6), 26-43.
- Sachs, A. (2016). Lewis Mumford's Urbanism and the Problem of Environmental Modernity. *Environmental History*, 21(4), 638-659.
- Treu, M. C. (2016). Urban conditions impacting on the perception of security. A few Italian case studies. *City, Territory and Architecture*, 3(1), 19.
- Wakim, V. R., de Magalhães, E. A., de Lima, J. E., & Lírio, V. S. (2018). People's Sense of Security about Crime: Analysis the Brazilian Case. *Journal of Finance and Economics*, 6(3), 103-110